

حق امنیت فردی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

عبدالرضا علیزاده*

استادیار گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق پردیس قم دانشگاه تهران

محمدهادی کاویانی

دانش آموخته دکترای حقوق عمومی پردیس قم دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۹/۲۲ - تاریخ تصویب: ۱۳۸۹/۱۲/۹)

چکیده:

امنیت فردی وضعیت مطلوبی است که انسان در آن ضمن اطمینان از عدم تعرض به حقوق فردی خود، زمینه‌ای را فراهم می‌بیند تا با بهبود آن‌ها، بهره‌مندی از امنیت فردی را به نفع خود افزایش دهد. بعضی از اسناد بین‌المللی از این حق به صراحت نام برده و برای آن مصادیقی هم ذکر کرده‌اند. ضروری است با تحلیل مصادیق آن و بررسی سخن متفکرین این حوزه، به فهم جامعی از آن رسید، تا با شناسایی آن به عنوان یک حق فردی بتوان به دنبال آن در قانون اساسی بود. با بررسی اصول قانون اساسی دانسته می‌شود که این قانون بدون ذکر عبارت «امنیت فردی»، به نحو گسترده‌ای به مصادیق و متعلقات آن پرداخته و ضمن شناسایی موارد تهدید، برای آن ضمانت اجرای مناسب در نظر گرفته است. از این‌رو، می‌توان محتوای اصلی این حق را که عبارت است از مصونیت و تامین حقوق فردی، به وضوح در قانون اساسی مشاهده کرد.

واژگان کلیدی:

قانون اساسی، امنیت، حق امنیت، تهدید و ناامنی، امنیت فردی.

مقدمه

حق امنیت فردی به عنوان یک حق اساسی از حق‌هایی است که در اسناد حقوقی هر کشور، والاترین جایگاه را به خود اختصاص می‌دهد زیرا تنها این حق است که زمینه‌ساز حقوق دیگر بوده تا افراد بتوانند آنها را به راحتی استیفا کنند. معرفی این حق مانند سایر حقوق فقط با شناسایی متعلق آن امکان دارد. این تحقیق، توأمان به بررسی حیات فردی و اجتماعی انسان و نیز اعمال سلبی و ایجابی دولت برای تأمین امنیت می‌پردازد.

اگر چه در قانون اساسی جمهوری اسلامی به صراحت از حق امنیت فردی سخن به میان نیامده است، اما سعی کرده همه متعلقات این حق را مطرح و در نهایت با شناسایی این حق به عنوان یک حق اساسی، ضمانت اجرای مناسب را، هم در عرصه‌ی قانون‌گذاری و هم در عرصه‌ی اجرا برای آن مقرر کند. بنابراین، حق امنیت که در نخستین اسناد حقوق بشری به ممنوعیت بازداشت خودسرانه اختصاص یافته بود و یا در نص قانونی نسبتاً مفصل خارجی یعنی اصلاحیه قانون اساسی ۱۹۸۲ کانادا، صرفاً شامل حق حریم خصوصی، حق تضمین تمامیت جسمانی، حق سلامت در برابر صدمات مهم ناشی از دخالت دولت، معنا شده بود، در نگاه قانون اساسی، همه ابعاد وجود انسانی را در بر گرفت.

به این منظور در این تحقیق پس از مفهوم شناسی حق امنیت، امنیت مربوط به ابعاد مادی و معنوی انسان شناسایی خواهد شد و پس از تفکیک بعد مدنی زندگی اجتماعی انسان از بعد سیاسی آن، به عنوان متعلق حق امنیت حیات اجتماعی انسان، این حق در قانون اساسی مورد مطالعه قرار خواهد گرفت. سپس، عوامل تهدید کننده این حقوق به عنوان مصادیق ناامنی و تهدید و ضمانت اجرای قانون اساسی برای حفظ این حقوق و جلوگیری از تهدیدزایی این عوامل بررسی می‌شود. آخرین مبحث این تحقیق، آسیب شناسی قانون اساسی است.

تذکر این نکته ضروری است که اگرچه بررسی کامل این موضوع به بررسی رویه‌های موجود نیز نیازمند است، اما این تحقیق متن محور بوده و صرفاً با تکیه بر قانون اساسی نگاشته شده است. طبعاً مطالعه کامل تر مجال بیشتری را طلب می‌کند تا در آن رویه‌های موجود در اجرای قانون اساسی با دقت کافی مطالعه شود.

۱- مفهوم شناسی حق امنیت

در این قسمت، نخست مفهوم «امنیت» و آنگاه مفهوم «حق امنیت» بررسی می‌شود:

۱-۱ مفهوم امنیت (Security)

در فرهنگ مرجع آکسفورد، "Security" حالت و احساس ایمنی داشتن، یا چیزی که این احساس را بوجود می آورد، معنا شده است. این واژه، در فرهنگ لغت وبستر، کیفیت، وضعیت و حالتی است که در آن رهایی از خطر، رهایی از ترس و تشویش و رهایی از خطر بیکاری^۱ حاصل است. در فرهنگ لغت آکسفورد، اعمال امنیتی، اعمالی هستند که در دفاع از یک کشور، ساختمان و یا شخص در برابر حمله، خطر و مانند آن دخالت دارد.^۲

ذکر کلمه‌ی وضعیت (state) و کیفیت (quality) در تعریف، گویای حالتی است که انسان را به مثابه‌ی یک لایه محافظ در بر گرفته و وی را از هر گونه تهدید که موجب ناامنی اوست، محافظت می‌کند. وجود عناصری مانند خطر در تعریف امنیت، بیانگر لحاظ عنصر تهدید در تعریف امنیت است و هم‌چنین از آن جا که در تعریف لغوی از امنیت، رهایی از تشویش و هراس لحاظ گردیده است نیز گویای توجه به بعد ذهنی آن است. براین اساس، می‌توان امنیت را حالت و وضعیتی معنا کرد که در آن فرد می‌تواند بدون هیچ خطر و یا هراس از آن، زندگی خود را با آسودگی خیال بگذراند.

۲-۱ ابعاد امنیت

۱-۲ وجهه سلبی و ایجابی امنیت: به طور سنتی امنیت جنبه سلبی دارد. این مسئله از آن‌جا ناشی می‌شود که معمولاً معانی امنیت، تهدید محور هستند و برای تأمین امنیت هم باید این تهدیدات را از بین برد تا حداقل آن حاصل شود و هم باید زمینه فراگیری حقوق را افزایش داد تا امنیت به کمال برسد. برای اقدامات سلبی، می‌توان از ممنوعیت شکنجه و مصونیت حریم، و برای اقدامات ایجابی، ایجاد نهاد تأمین اجتماعی و انواع بیمه‌ها و نیز تبعیض مثبت، مثال آورد.

۱-۲-۱ بعد عینی (Objective) و ذهنی (Subjective) امنیت: امنیت دو بعد عینی و ذهنی دارد و برای تأمین امنیت باید هر دو بعد آن را محقق ساخت. نبودن بیماری‌های واگیر، پایین بودن آمار جرائم و مجرمان و وجود مطبوعات و رسانه‌های آزاد و مانند آن، بعد عینی امنیت است. بعد دیگر امنیت، نمود ذهنی آن است، که چه بسا به دلیل آن که کمی نیست و معیارهای سنجش قابل اعتماد برای آن وجود ندارد، کمتر به آن توجه می‌کنند. این بعد، احساس امنیت

1- The quality or state of being secure as a: freedom from danger b: freedom from fear or anxiety c: freedom from prospect of being laid off.

2- The activities involved in protecting a country, building or person against attack, danger, etc.

(Sense of Security) را شکل می‌دهد که به دلیل تفاوت افراد در ابعاد روحی و روانی این احساس در افراد مختلف، متغیر و متفاوت است.

۳-۱ حق امنیت (Right to Security)

پس از درک معنا و مفهوم این واژه و شناسایی ابعاد آن باید در پی شناسایی آن به عنوان یک حق بشری بود با این سوال که این حق چیست؟ و شامل چه مراتب و ابعادی از انسان می‌شود؟

به نظر می‌رسد با هر تحلیلی از حق، موقعی که امنیت متعلق آن حق باشد، باید طرف مقابلی برای آن فرض کرد که در مقابل این حق مکلف باشد، خواه تکلیف او سلبی و یا ایجابی باشد.

۱-۳-۱ حق امنیت در اسناد بین‌المللی: ماده سوم اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) بیان می‌دارد «هر کس حق دارد از حیات، آزادی و امنیت شخصی برخوردار باشد».^۱

ماده (۹-۱) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی - سیاسی (۱۹۶۶) مقرر می‌دارد «هر کس حق آزادی و امنیت شخصی دارد. هیچ کس را نمی‌توان خودسرانه دستگیر، بازداشت و زندانی کرد. از هیچ کس نمی‌توان سلب آزادی کرد مگر طبق آیین دادرسی قانونی».^۲

با دقت در تعبیر این دو سند ملاحظه می‌شود که در اعلامیه جهانی حقوق بشر از این حق فقط به بیان آن اکتفا شده است و در میثاق حقوق مدنی-سیاسی این معنای کلی و مبهم و وضوح بیشتری یافته و امنیت به معنای ممنوعیت دستگیری خودسرانه، بازداشت و زندانی کردن تلقی شده است. ماده پنجم کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (۱۹۵۰) بیان می‌دارد: «هر کس حق آزادی و امنیت شخصی دارد. آزادی و امنیت شخصی به عنوان یک مفهوم مرکب اخذ شده و نباید به عنوان موضوعی مجزا توسط دادگاه تفسیر شود».^۳

«در کمیسیون اروپایی حقوق بشر نیز یکی از قضات چنین اظهار نظر کرده که امنیت شخصی فقط به این معنا است که هیچ کس و اهماه و ترسی از به مخاطره افتادن آزادی خود نداشته باشد» (آشوری و بهمنی قاجار، ۱۳۷۸، ۴). با این گزاره‌ها می‌توان وسعت و گستره‌ی معنای امنیت فردی در آن اسناد را مشاهده کرد.

1- Everyone has the right to life, liberty and security of person. (The Universal Declaration of Human Rights).

2-Everyone has the right to liberty and security of person. No one shall be subjected to arbitrary arrest or detention. No one shall be deprived of his liberty except on such grounds and in accordance with such procedure as are established by law. (International Covenant on Civil and Political Rights).

3-Article 5: everyone has the right to liberty and security of person. Liberty and security of the person are taken as a "compound" concept. Security of the person has not been subject to separate interpretation by the Court. (The European Convention on Human Rights).

شاید تعریف امنیت در بخش هفتم اصلاحیه قانون اساسی ۱۹۸۲ کانادا توصیفی مفصل تر باشد که در آن تصریح می‌شود به اینکه «هر کس حق حیات، آزادی و امنیت شخصی دارد. این حق از کسی سلب نمی‌شود مگر مطابق با اصول بنیادین قضایی».^۱ «حق امنیت در این بخش مشتمل است بر حق حریم خصوصی، حق تضمین تمامیت جسمانی فرد. این حق از فرد، به خصوص در برابر بازداشت، توقیف خودسرانه و صدمات مهم با منشاء دولت، حمایت می‌کند».^۲

در جمع بندی نهایی می‌توان امنیت را وضعیت مطلوبی (Status Desired) در نظر گرفت که در آن ضمن اطمینان خاطر از عدم تعرض به حقوق و آزادیهای فردی، زمینه‌ای فراهم شده تا در فضایی منطقی پیوسته این حقوق بهبود یابد. این نتیجه‌گیری از مضمون اسناد منطبق با تعریفی است که بعضی از اندیشمندان از این مفهوم ارائه کرده‌اند: «باید امنیت را نوعی آرامش و مصونیت در برابر خطرات احتمالی دانست که حقوق حقه شخص را مورد تهدید قرار می‌دهد» (عمید زنجانی، ۱۳۸۴، ۱۴۷). و یا نوشته‌اند: «امنیت عبارت است از اطمینان خاطری که بر اساس آن افراد در جامعه‌ای که زندگی می‌کنند نسبت به حفظ جان، حیثیت و حقوق مادی و معنوی خود بیم و هراسی نداشته باشند» (هاشمی، ۱۳۸۴، ۲۷۶).

نتیجه همه این مباحث این است که، امنیت فردی به عنوان حق اساسی، وضعیت و حالتی است که در آن انسان قادر به بهره‌مندی از مزایا و مواهب حیات باشد. در این راه باید تمامیت وجودی او مصون از هر نوع تعرض باشد و برای بهره‌مندی شایسته از حقوق فردی، زمینه ارتقا آن فراهم شود. بنابراین، امنیت فردی عبارت است از مصونیت و تامین قابل توجه اینکه در مشروح مذاکرات قانون اساسی در جریان تصویب اصول مربوط به حقوق ملت با وجود بحث مفصل از تک تک حقوق ملت، هیچ اشاره‌ای به مسئله امنیت فردی نمی‌شود و این همه گویای این است که قانون‌گذار اساسی نیز امنیت را به معنای فراهم بودن همه حقوق فردی و اجرای آن می‌داند و دیگر نیازی به طرح آن به عنوان حقی مستقل نمی‌بیند (صورت مشروح مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی، ۱۳۶۴-۵۳).

بخش مربوط به حقوق ملت، در مجموعه مستندات و مبانی شرعی قانون اساسی، که به عنوان مبانی دینی حقوق ملت مورد توجه قرار گرفته است و بر اساس آن حقوق شخصی افراد

1-Everyone has the right to life, liberty and security of the person and the right not to be deprived thereof except in accordance with the principles of fundamental justice.(Canadian Charter of Rights and Freedoms).

2-There is the right to security of the person, which consists of rights to privacy of the body and its health and of the right protecting the "psychological integrity" of an individual. That is, the right protects against significant government-inflicted harm (stress) to the mental state of the individual (http://en.wikipedia.org/wiki/Section_Seven_of_the_Canadian_Charter_of_Rights_and_Freedoms).

در قانون اساسی طراحی شده، به امنیت فردی به عنوان حقی مجزا نپرداخته است (ورعی، ۲۰۶، ۱۳۸۶).

۲- متعلق حق امنیت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

۱-۲ ماهیت انسان

در این مرحله از بحث باید بررسی کرد که امنیت چه بخش‌هایی از وجود انسان باید تأمین شود؟ از آنجا که اندیشه اسلامی مبنای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است باید انسان و ساحت‌های وجودی او را در این حوزه واکاوی کرد. بنابر نظر برخی از فلاسفه اسلامی در خصوص ماهیت روح، روح آن موجودی است که از دل جسم بوجود آمده «این دیدگاه که تبیین فلسفی آن از ابتکارات حکیم نامور اسلام ملا صدرا است، به تقدم وجودی جسم بر نفس ناطقه معتقد است. بنابراین نظریه اگر چه روح، جوهری مجرد و غیر مادی است، اما از بستر مادیت برخاسته. جوهری است که در جریان رشد و استكمال خویش دارای کمال و مرتبه‌ای می‌شود که دیگر مادی نیست. بنابراین انسان حقیقت واحدی است که دارای مراتب مختلف است. این حقیقت واحد در برخی از مراتب خود مادی و در برخی از مراتب مجرد است» (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۷، ۳۲). به این ترتیب، از دیدگاه اسلام جسم و روح، دو مرتبه از وجود انسان هستند که جسم تقدم وجودی و زمانی بر روح دارد و به منزله بستر و مرکبی برای روح و نفس انجام وظیفه می‌کند. اما روح تقدم ارزشی دارد و در هر دو نشئه از عالم خلقت موجود است و وظیفه‌ای جداگانه دارد. بنابر نظریه حرکت جوهری، روح از همین جسم بوجود آمده است. ایجاد آن جسمانی، ولی ادامه حیات و بقای آن روحانی است. آیات شریفه سوره مومنون^۱ شاید ناظر به همین مطلب باشد. پس باید دید ارزش‌های هر دو بعد از مراتب وجودی انسان چیست تا در تأمین امنیت آنها و در واقع تأمین امنیت انسان اقدام شود.

با این تحلیل انسان خود مبنای یک نظام حقوقی است و هر مرتبه‌ای از مراتب وجودی او حق یا حقوقی را اقتضا می‌کند. حقوق فطری از آنجا پیدا شده که دستگاه خلقت با روشن بینی و توجه به هدف، انسان را به سوی کمالاتی که استعداد آنها در وجودش نهفته است سوق می‌دهد. «هر استعداد مبنای یک حق طبیعی و یک سند طبیعی برای آن به شمار می‌آید» (مطهری، ۱۴۲۰ ق ۱۵۸). قانون اساسی با این نگاه به انسان، سعی کرده تا ممکن است این ارزشها را شناسایی کند و تهدیدات را از آنها بزدايد و زمينه را برای رشد و بهبود آنها فراهم کند. در یک

۱. مومنون (۱۲-۱۴) وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ (۱۲).

ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ (۱۳).

ثُمَّ خَلَقْنَا النَّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أُنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَبَارَكُ اللَّهُ الْأَحْسَنُ الْخَالِقِينَ (۱۴).

تقسیم بندی، حق های انسانی با ملاحظه وضعیت طبیعی آن ها به حق های مطلق (absolute rights) و حق های وابسته (relative rights) تقسیم می شوند. «حق مطلق» به فرد به عنوان یک شخص تعلق می گیرد و «حق وابسته» حقهایی است که برای انسان به عنوان عضوی از جامعه لحاظ می شود. (فرهنگ حقوقی بلک، ۱۹۹۰) با همین ملاک تقسیم بندی حق فردی را در حقوق داخلی پی می گیریم.

حیثیت فردی انسان، نخستین وجهی شخصیتی اوست که کاملاً خصوصی است و هیچ تعلق به دیگران ندارد. این وجهه با همین ویژگی نیز مورد مطالعه قرار می گیرد. این حیثیت دو بعد وجودی انسان را شامل می شود. نخست بعد مادی اوست که جسمانیت قدر جامع آن است. بخشی از حق امنیت به این بعد از انسان تعلق می گیرد. مانند تامین و تضمین حق حیات، سلامتی، بهداشت، تغذیه، لباس، مسکن و رهایی از همه محدودیت های جسمی سالب آزادی مانند حبس و تبعید از این نوع است. بعد دیگر، روحانی و معنوی است که «کرامت» قدر جامع آن است. این بعد طبعاً حقوق متناسب با خود را دارد، مانند انواع آزادی ها از قبیل رفت و آمد، مسافرت، مسکن و اقامتگاه، آزادی روابط اجتماعی و حقوقی مانند حق شغل، دینداری و عبادت، برابری، ممنوعیت تفتیش عقاید، توهین و شکنجه و مجموعه حقوق سیاسی. خصلت اجتماعی انسان وجهی دیگر اوست. حق های مرتبط به این وجهه می تواند در دو گروه اصلی از یکدیگر تفکیک شوند.

حقوق مدنی، بخشی از حقوق مربوط به انسان در جامعه ای انسانی بدون در لحاظ دولت است. مانند حق مالکیت خصوصی، حق شغل، آزادی شغل. دسته ای دیگر از حقوق، همانند انواع مختلف آزادی های سیاسی مثل آزادی احزاب، آزادی بیان و قلم و آزادی تجمعات و حقوقی مانند حق تعیین سرنوشت و حق شرکت در انتخابات است که در یک جامعه سیاسی با وجود دولت معنا و مصداق پیدا می کند و «حقوق سیاسی» نام دارد.

با این مقدمه، حقوق شخصی مربوط به بعد مادی و معنوی و نیز حقوق اجتماعی در دو حوزه حقوق مدنی و سیاسی در قانون اساسی، مورد مطالعه قرار می گیرد.

۲-۲ حقوق شخصی که ناظر به حقوق فردی بدون لحاظ جامعه است. این حقوق هر دو بعد مادی و معنوی انسان را شامل می شود.

۲-۲-۱ حقوق شخصی جسمانی: مصونیت جان و حق حیات (اصل ۲۲)^۱، تأمین نیازهای اساسی زندگی انسان از قبیل مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت و درمان به عنوان حقی که متفرع بر حق بنیادین حیات است (اصل ۴۳)، ممنوعیت شکنجه (اصل ۳۸).

باید دانست که مصونیت حیات مطلقاً در همه حالاتی است که ممکن است برای انسان به وجود آید. بر مبنای آموزه‌های دینی این مصونیت از مدتی قبل از تولد آغاز و تا پایان عمر طبیعی ادامه دارد، مگر این که قانون در مقام مجازات چیزی غیر از این را مقرر کند. ممنوعیت شکنجه و ممنوعیت تعرض به جان، بعد سلبی امنیت جسمانی و تأمین نیازهای اساسی انسان از قبیل مسکن، خوراک، پوشاک و بهداشت و درمان، بعد ایجابی تأمین امنیت است.

۲-۲-۲ حقوق شخصی معنوی: اخلاق و رشد فضائل اخلاقی؛ (اصل ۳/۱). محواستعمار، استبداد، خودکامگی؛ (اصول ۳/۵-۶). رفع تبعیضات ناروا و برابری؛ (اصول ۳/۹-۱۹). حفظ حریم خصوصی در: الف) خانواده با سهولت تشکیل، پاسداری از قداست و حرمت و استواری آن؛ (اصل ۱۰). ب) مصونیت نامه‌ها، مکالمات تلفنی و مراسلات، ممنوعیت سانسور، استراق سمع و تجسس؛ (اصل ۲۵). احترام به دین و آیین مسلمین و سایر ادیان؛ (اصول ۱۲ و ۱۳). رعایت حقوق انسانی کسانی که متدین به هیچ دینی نیستند؛ (اصل ۱۴). مصونیت حیثیت؛ (اصل ۲۲). ممنوعیت تفتیش عقاید؛ (اصل ۲۳). ممنوعیت هتک حرمت و شکنجه؛ (اصول ۳۸ و ۳۹). حق تابعیت و ممنوعیت سلب آن مگر با تقاضای فرد؛ (اصل ۴۱). ممنوعیت سلطه بیگانگان؛ (اصل ۱۵۳).

- به نظر می‌رسد قانون اساسی با توجه به نگاه ویژه‌ی اسلام به بعد معنوی و تقویت این بعد برای تعالی انسان، رسالت خاصی برای خود قائل شده و ضمن تکثیر جنبه‌های مختلف آن مصادیق متعدد برایش در نظر گرفته که در این مبحث از آن به حقوق معنوی انسان تعبیر می‌شود.

- بعضی از این حقوق اگر چه ممکن است در گروه‌های دیگری از حقوق مانند حقوق جسمانی، مدنی و یا سیاسی بگنجد، اما کرامت انسانی سبب شده که بعضی از حقوق مربوط به بعد جسمانی و یا حقوق سیاسی، جزء این دسته شمرده شوند. نابرابری و تبعیضات ناروا، شکنجه، محو استعمار، استبداد از این قبیل اند که اگر چه آثار و لوازم مادی دارند، اما چون با کرامت انسان مغایرت دارند، در این گروه قرار می‌گیرند. احترام به دین، آیین و شریعت، هم چنین آزادی تفکر و ممنوعیت تفتیش عقاید از بارزترین حقوق معنوی هر فرد است.

- جنبه سلبی امنیت معنوی عبارت است از: محو استعمار، خودکامگی و انحصارطلبی، رفع تبعیض‌های ناروا، عدم تعرض به حیثیت، ممنوعیت تفتیش عقاید، ممنوعیت هتک حرمت، ممنوعیت سانسور، ممنوعیت استراق سمع و تجسس و ممنوعیت سلطه‌ی بیگانگان که همه این ممنوعیت‌ها باید محقق شود تا به شخص مصونیت داده شود. در مقابل برخی اعمال دیگر باید تحقق یابد که بهبود و رشد فضائل اخلاقی، برابری، مصونیت خانواده و مراسلات به عنوان حریم شخصی، احترام به کیش و دین و آیین افراد، مصونیت حیثیت، آزادی تفکر و

احترام به حقوق انسانی غیر متدینین به ادیان و مذاهب رسمی، از جنبه‌های ایجابی تأمین امنیت است که کارگزاران امنیت باید این وجوه را تأمین کنند.

۲-۲ حقوق اجتماعی انسان: دومین دسته از حقوق انسانی است که به جنبه اجتماعی زندگی او تعلق می‌گیرد و به دو دسته تقسیم می‌شوند: حقوق مدنی که اختصاص به حق‌های او بدون لحاظ قدرت سیاسی دارد و حقوق سیاسی که به حق‌های مرتبط با سیاست‌ورزی و اعمال سیاسی در جامعه اختصاص دارد.

۲-۲-۱ حقوق اجتماعی - مدنی: آموزش و ارتقاء آگاهی‌های عمومی؛ (اصول ۳/۳ و ۳/۲).
رفع تبعیضات ناروا؛ (اصل ۳/۹). امر به معروف و نهی از منکر؛ (اصل ۸). حقوق فرهنگی زبان و خط ملی و قومی؛ (اصل ۵). مصونیت مال و ممنوعیت تعرض به آن؛ (اصول ۲۲ - ۲۸). مالکیت خصوصی و مالکیت اموال حاصل از کسب؛ (اصل ۴۷). مسکن و حقوق ناشی از آن، آزادی اقامتگاه و رفت و آمد؛ (اصول ۳۱ و ۳۳). سلامت محیط زیست؛ (اصل ۵۰). حق دادخواهی؛ (اصل ۳۴). اداره امور محلی؛ (اصل ۱۰۰).

۲-۲-۲ حقوق اجتماعی - سیاسی: محور استعمار، استبداد، خودکامگی و انحصارطلبی؛ (اصل ۳/۶). تأمین آزادی‌های سیاسی اجتماعی؛ (اصل ۳/۷). مشارکت عمومی در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و اداره امور کشور؛ (اصول ۳/۸ - ۶). امر به معروف و نهی از منکر؛ (اصل ۸). آزادی مطبوعات و رسانه‌ها؛ (اصل ۲۴). آزادی احزاب و تشکیلات سیاسی و صنفی؛ (اصل ۲۷). آزادی اجتماعات و راهپیمایی‌ها؛ (اصل ۲۷). حق تعیین سرنوشت؛ (اصل ۵۶). از طریق شرکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی؛ (اصل ۶۲) و انتخابات مجلس خبرگان رهبری؛ (اصل ۱۰۸) و انتخابات ریاست جمهوری؛ (اصل ۱۱۴) و بازنگری و اصلاح قانون اساسی؛ (اصل ۱۷۷).

تا اینجا فهرست جامعی از حقوق فردی که قانون اساسی در نظر گرفته، بیان شد. طبیعی است همه این حقوق، متعلق حق امنیت انسان در عرصه‌های مختلف می‌تواند باشد و بنابراین امنیت انسان از این منظر؛ تأمین این حقوق، یعنی پرهیز از ممنوعیت‌های آن اعم از تعرض و تجاوز و نیز رشد و ارتقاء آنها یعنی رعایت مصونیت‌ها و گسترش آن‌ها است.

بحث بعدی مطالعه تهدیداتی که متوجه این حق می‌شود و قانون اساسی به آنها پرداخته است.

۳ - تهدیدهای مطرح در قانون اساسی

ناگفته پیداست که نهادینه شدن حقوق فردی در متون قانونی به تفصیلی که بیان شد زمینه

را برای برقراری فضای مطلوب برای فرد فراهم می‌کند. در این بین تهدیدات و ناامنی‌ها می-

تواند امنیت فردی انسان را در بهره مندی از این امتیازات مخدوش سازد. این تهدیدات بدین شرح است:

۱-۳-۳ تهدید از ناحیه‌ی دولت و اعمال حکومتی

۱-۱-۳-۱ تهدیدات حکومت در مرحله قانون گذاری، این نخستین مرحله‌ای است که می‌تواند امنیت فردی اشخاص را به خطر اندازد. توضیح آنکه، یکی از ابزارهایی که حکومت با آن می‌تواند امنیت فردی را به خطر اندازد، وضع مقرراتی است که مستلزم محدودیت برای حقوق و آزادی‌های مشروع است. معمولاً این کار تحت عنوان امنیت کشور، انجام می‌شود. در این راستا استفاده از نام قانون برای تصویب مقررات امنیتی مورد نظر توسط مجلس، محملی موجه برای این مقررات است. قانون اساسی در اصل نهم به صراحت و قاطعیت وضع قوانینی که با آزادی‌های مشروع منافات دارد، ممنوع کرده است.

۱-۳-۲ تهدیدزا بودن اعمال دولت برای حقوق فردی: در اصولی که بیانگر حقی از حقوق مردم محسوب می‌شود به نوعی مسئله تهدید و ناامنی مطرح شده است. اصول ۲۲ تا ۲۵ و بعضی دیگر از این اصولند. سؤال این است که این تهدید از کجا ناشی می‌شود؟ و فضای ناامنی را چه کسی ایجاد می‌کند؟ در پاسخ باید گفت: که با توجه به اطلاق الفاظ در خصوص «کیستی تهدیدکننده» قطعاً یکی از مصادیق تهدیدکننده، حکومت است. زیرا این دولت است که می‌تواند با استفاده از ابزار حکومتی و اعمال حاکمیت جلوی استیفای این حقوق را بگیرد. شکنجه و هتک حرمت و حیثیت فردی که به حکم قانون بازداشت و زندانی شده‌است، توسط کسانی ممکن است که آن فرد را در اختیار دارند و آنها غیر از دولت و مأمورین دولتی نیستند. هم‌چنین سلب تابعیت از دیگر مسائلی است که فقط توسط دولت ممکن است.

این‌ها همه گویای این مطلب است که تهدید و تجاوز احتمالی به حقوق افراد یا فقط توسط دولت ممکن است و یا این که حداقل یکی از تهدیدکنندگان دولت است. همین کفایت می‌کند که دولت را به عنوان تهدیدکننده و منبع ناامنی از سوی قانون گذار اساسی بدانیم. حکومت در اعمال صلاحیتهای دولتی ممکن است با سوء استفاده از صلاحیت‌های خودش، موضوعات مختلفی را امنیتی کند (Securitization) و در این راستا، با خارج کردن موضوع از دستور کار عادی و قرار دادن آن در دستور کار فوق العاده و اضطراری، استفاده از ابزار و وسایل غیرمعمول را موجه نماید (عبداله‌خانی، ۱۳۸۳، ۱۵۱) و به این وسیله در پی اهداف خود باشد.

باید دانست که «میلیتاریزه شدن جامعه، کاهش آزادیهای مدنی و در نتیجه فقدان توازن اجتماعی از مهم‌ترین و فوری‌ترین آثار آنست» (فرکس، ۲۰۰۸، ۹). بنابر این، ایجاد هر نوع ناامنی از سوی حکومت ناموجه قلمداد شده، زیرا وقتی با قانون که حاصل اراده‌ی جمعی نمایندگان

مردم است، ممنوعیت بلکه محدودیت آزادی‌های مشروع مجاز نیست، به طریق اولی دادگاه‌ها نیز نمی‌توانند احکام قضایی‌ای صادر کنند که منافات با آزادی‌های مشروع داشته باشد و با اولویت بیشتر، دستگاه‌های اجرایی هم مجاز به انجام اعمالی بر خلاف آزادی‌های مشروع افراد نیستند.

۲-۳ تهدید از ناحیه‌ی افراد و اشخاص دیگر: تهدید دیگری که می‌تواند موجبات ناامنی فرد را فراهم آورد، تهدیداتی است که ناشی از اعمال دیگران است. این اعمال به دو صورت می‌تواند باشند:

۱-۲-۳ اعمال مجرمانه: اعمالی هستند که قانونگذار ضمن گذاشتن نام جرم بر آن‌ها، مجازات هم برایشان تعیین کرده است. ناامنی که در این حالت بوجود می‌آید ناشی از اعمال مجرمانه‌ی افراد است. در این صورت حکومت به نیابت از جامعه وظیفه دارد، مجازات را با کیفر، تحقق بخشد تا ضمن فراهم آوردن موجبات اصلاح مجرم و تشفی مجنی علیه یا بازماندگانش، به مهم‌ترین هدف مجازات یعنی، بازدارندگی عمومی برسد، «تا بر اساس آن، این پیش‌بینی تحقق یابد که مجازات یک مجرم بر دیگران تاثیر خواهد گذاشت و سبب خواهد شد که آنها مرتکب جرم مشابه نشوند» (فلچر، ۱۳۸۴، ۶۷).

۲-۲-۳ اعمال غیر مجرمانه: گاه فعل و یا ترک فعل دیگران اگر چه عنوان مجرمانه ندارد، اما چون با حقوق دیگران تعارض دارد و آن را تضییع می‌کند، در عمل امنیت فردی آنان را مخدوش می‌کند. اصل ۴۰ قانون اساسی ناظر به این مورد است که بیان می‌دارد: «هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله‌ی اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد». مثلاً حق رفت و آمد و عبور و مرور شهری و آزادی در آن ممکن است با خطر جانی برای دیگران ملازم باشد. براین اساس این حق و حق‌های مشابه باید طوری اعمال شود که منجر به خطر و ناامنی برای دیگران نباشد. دستیابی به این سطح از امنیت وظیفه قانونگذار دانا و روشن‌بینی است که قواعد حقوقی مربوط به استیفای حقوق فردی را طوری طراحی کند که اعمال حقوق فردی در گسترده‌ترین سطح با تجاوز به حقوق دیگران ملازمه نداشته باشد.

شایان توجه است که قانون اساسی در اعمال حق‌های فردی به غایت‌های اجتماعی آنها به عنوان یک ضابطه کلی به طور جدی توجه کرده است. اصل ۴۰ نشانه بارزی بر این ملاحظات است. براین اساس «هر چه رابطه حق با منافع دیگران و مصالح اجتماعی قویتر باشد، اهداف این حقوق جنبه اجتماعی بیشتری دارد و رعایت آنها الزامیست. طبیعی است در این موارد اگر از غایات اجتماعی حق تخلف شود، منظور اجتماعی آن تحقق نیافته است» (بهرامی احمدی، ۱۳۷۰، ۲۱۰).

و در نتیجه محدودیت‌ها برای اعمال آن حق بیشتر خواهد شد.

۴- ضمانت اجرای امنیت در قانون اساسی

قانون اساسی در تأمین و تضمین حقوق و امنیت فردی، نظریه حاکمیت قانون (The Rule of Law) را در گسترده‌ترین وجه پذیرفته است. از آن‌جا که در نظریه حاکمیت قانون، همه قوای حکومتی اعم از قوای مقننه، قضائیه و مجریه باید تابع قانون و هنجارهای حقوقی باشند، قانون اساسی در بحث مربوط به تضمین حقوق و امنیت فردی، به حاکمیت قانون در قانونگذاری و اقدامات قضایی، توجه کرده است و شاید به دلیل بداهت موضوع به قوه مجریه اشاره نکرده است.

۴-۱. حاکمیت قانون در قانونگذاری برای تضمین امنیت فردی: قانون اساسی در بیان حقوق فردی همه آن‌چه را که افراد در ساحت‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی، باید از آن برخوردار باشند، تحت عنوان حقوق و آزادی بیان کرده است. توجه به اصول مربوط به این موضوع در قانون اساسی گویای آن است که قانون اساسی برخوردار از آنها را به عنوان قاعده و هر آن‌چه را که لازم بوده، صریحاً به عنوان استثنا نام برده است. این بدان معناست که حق‌ها فقط باید محدود به همان حدودی شوند که در قانون اساسی به آن‌ها اشاره شده است و محدودیت و استثنای بیشتر مجاز نیست و با قانون اساسی مغایرت دارد. بنابراین، قوانین مربوط به حق‌های مدنی و سیاسی که قیودی بیشتر از قانون اساسی دارند، با ایراد مغایرت با قانون اساسی مواجه خواهند بود. به همین دلیل، اصل نهم قانون اساسی^۱ حتی قانون‌گذار را از قانون‌گذاری بر خلاف آن‌ها پرهیز داده است.

۴-۲. حاکمیت قانون در قضاوت برای تضمین حقوق و امنیت فردی: «در پرتو قانون اساسی، آیین دادرسی مدنی، آیین دادرسی کیفری و سایر قوانین قضایی وظیفه قانونی کردن و متحدالشکل کردن فرآیند قضاوت را برای دستیابی به عدالت صوری بر عهده دارند» (توسلی، ۱۳۸۵، ۹۳). از آن‌جا که مهم‌ترین ضمانت اجرا در نظریه حاکمیت قانون، نظارت قضایی است، قانون اساسی این نوع نظارت را به عنوان مهم‌ترین تضمین برای امنیت فردی پذیرفته است، زیرا بعد از بیان نسبتاً مفصل حقوق فردی، در اصل ۳۴ حق دادخواهی و مراجعه به دادگاه‌های صالح و ممنوعیت جلوگیری از مراجعه به دادگاه‌های قانونی را مطرح می‌کند. یکی از مهم‌ترین گام‌های قانون اساسی برای تضمین حقوق فردی، دادخواهی و لوازم حقوقی مربوط به آن است. حاکمیت قانون در قوه قضائیه، اقتضا می‌کند که اجرای قانون، در ساختار قوه (بنابر اصل ۱۵۹) و در فرآیند قضاوت و احکام قضایی (بنابر اصول ۱۶۶ و ۱۶۷) الزامی باشد.

۱. «در جمهوری اسلامی ایران آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و هیچ مقامی حق ندارد به نام استقلال و تمامیت ارضی کشور، آزادی‌های مشروع را هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند».

۵- آسیب شناسی قانون اساسی در مورد امنیت فردی

تا اینجا هر چه درباره امنیت فردی در قانون اساسی گفته شد، تمهیدات قانون اساسی برای تأمین امنیت و رفع تهدیدها از حقوق فردی و اجتماعی افراد بوده است، اما در این قسمت، زمینه‌هایی که قانون اساسی ایجاد کرده است که می‌تواند باعث ناامنی و تهدید حقوق فردی افراد شود، بررسی می‌شود:

۵-۱: اشکالات لفظی در قانون اساسی: در برخی از موارد، الفاظ و عبارات قانون اساسی طوری است که مجال سوءاستفاده و تهدید امنیت فردی را فراهم می‌سازد. بخش عمده این عبارات متأسفانه، یا هنوز تفسیر نشده و یا با قوانین عادی و سایر مقررات، مفهوم آن تبیین نشده است.

۵-۱-۱: واژگان و عبارات شرعی: «موازن اسلامی» در اصول ۱۷۵، ۱۷۱، ۹۶، ۴۶، ۴، «ضدیت با اسلام و جمهوری اسلامی» در اصل ۴، «اساس جمهوری اسلامی» در اصل ۲۶، «مبانی جمهوری اسلامی» در اصل ۱۱۵، «مبانی اسلام» در اصول ۲۷-۲۴، «مخالف اسلام» در اصل ۲۸، «احکام اسلام» در اصول ۹۱-۹۹، «مصلحت» در اصل ۱۱۲، «منابع معتبر اسلامی و فتاوی معتبر» در اصل ۶۷، «محدوده قوانین اسلام» در اصل ۴۴ و «مقررات مدون جزایی اسلام» در اصل ۱۵۶، ابهام معنایی دارند.

۵-۱-۲: واژگان حقوقی- سیاسی: «آزادی‌های مشروع» در اصول ۵۶-۹، «حقوق انسانی» اصل ۱۴، «حقوق عمومی» اصل ۲۴، «مصالح عمومی» اصل ۲۸، «منافع عمومی» اصل ۴۰، «اضرار به غیر» اصل ۴۰، «تمرکز و تداول ثروت» اصل ۴۳، «مصالح عامه» اصل ۴۵، «معضلات نظام» اصل ۱۱۰، «مصالح کشور» اصل ۱۱۰، «منافع ملی» اصل ۱۷۶، «حقوق عامه» اصل ۱۵۶، «مصلحت جامعه» اصل ۱۶۴، «تهدیدهای داخلی و خارجی» اصل ۱۷۶، «حقوق فردی و اجتماعی» اصل ۱۵۶، «پاسداری از استقلال» اصل ۱۴۳، «پاسداری از نظام جمهوری اسلامی» اصل ۱۴۳، «نگهبانی از انقلاب» اصل ۱۵۰، «روح قوانین» اصل ۳۸. این‌ها مجموعه اصولی هستند که واژگان فوق در آن‌ها درج شده است و می‌توانند با ابهام در گستره مفهومی خود، عرصه را بر امنیت فردی تنگ کنند.

۵-۲: تأسیس نهادهای خاص حقوقی- سیاسی، بدون پیش بینی تمهیدات لازم در خصوص تأمین و تضمین امنیت فردی:

۵-۲-۱: اصل ۱۰۸ قانون اساسی، به مجلس خبرگان رهبری اختیار قانون‌گذاری راجع به تعداد و شرایط خبرگان، کیفیت انتخاب آنان و آیین‌نامه داخلی را داده است. متأسفانه با توجه به صلاحیت بسیار مهمی که این مجلس در تعیین رهبری و نظارت بر آن دارد، بر این قانون‌گذاری هیچ نهادی نظارت نمی‌کند و این سؤال که اگر مصوبات مجلس خبرگان با قانون

اساسی و آزادی‌های مشروع منافات داشت، چه نهاد و مقامی نظارت می‌کند، پاسخ مطلوبی نخواهد یافت.

۲-۲-۵ بر اساس اصل ۱۳۸ قانون اساسی، هیأت وزیران اجازه وضع و تصویب آیین‌نامه‌های مستقل را داراست. واضح است که این مقررات می‌تواند برای مردم ایجاد حق و تکلیف کند. با نظارت غیرمطمئنی که بر این نوع تصویب‌نامه‌ها اعمال می‌شود، فرض مغایرت احتمالی این مصوبات با قانون اساسی و آزادیهای مشروع، فرض محتملی است که به نظر می‌رسد قانون اساسی مجال سو استفاده را باز گذاشته است و نظارت دیوان عدالت اداری دیر هنگام است.

۳-۲-۵ تهدید استقلال قاضی: از آنجا که حق دادخواهی محکم‌ترین ضمانت برای امنیت فردی است، در جهت تضمین این حق، استقلال قوه قضائیه و قضات، دوبار در قانون اساسی ذکر شده است. افزون بر این، اصل غیر قابل عزل بودن و غیر قابل تغییر بودن قضات از اصول کلی برای استقلال قضات بشمار می‌رود. اما در اصل ۱۶۴ تغییر محل خدمت و یا سمت قاضی را بدون هیچ نظارتی و فقط با یک مشورت و نظرخواهی غیرالزامی از رئیس دیوانعالی کشور و دادستان کل کشور در اختیار رئیس قوه قضائیه نهاده اند.

۴-۲-۵ شورای امنیت ملی از پر قدرت‌ترین نهادهای حکومتی است و با اهداف مهمی مانند پاسداری از انقلاب اسلامی، تمامیت ارضی و حاکمیت ملی که قانون اساسی برای آن در نظر گرفته است از مهم‌ترین نهاد های قانون اساسی تلقی می‌شود. تصمیم‌گیری های این نهاد در سطح کلان به لحاظ دقت و ظرافت در تامین و تضمین حقوق فردی مانند حرکت بر لبه شمشیر است، چون این تصمیمات به راحتی می‌تواند امنیت فردی افراد را تحت تأثیر قرار داده و حقوق آنان را ضایع کند. افزون بر این، نهاد خاصی بر عملکرد این شورا نظارت نمی‌کند. بر اساس اصل ۱۷۶ قانون اساسی، تصمیمات این شورا پس از تأیید مقام رهبری قابل اجرا است. اگر چه نظارت درونی مقام رهبری نقطه اتکاء خوبی در اطمینان به عملکرد آن مقام است، اما آشکار است که این نظارت درونی (عدالت و تقوا برای رهبری امت اسلام) جبران خطاها و عملکردهای غیر عمدی هیچ فرد غیر معصومی را نخواهد کرد.

سخن پایانی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول مختلف و متعدد، حق امنیت فردی را بیان کرده و با این کار در حقیقت ضمن نهادینه کردن حقوق فردی، با تلاش در رفع تهدیدات و زمینه‌سازی برای بهبود بخشیدن به آنها، امنیت فردی را به لحاظ حقوقی تأمین و تضمین کرده است. با بررسی اصول مختلف قانون اساسی، به نظر می‌رسد این قانون با گشاده‌دستی سعی کرده حقوق و آزادی‌ها را با جزییات بیان کند و در ضمن آن، استثناها و خطوط قرمز را به

طور محدود ذکر و با حق دادخواهی و دادرسی قانونی، آنها را تضمین کند. به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت، حق امنیت فردی با تمام ابعاد آن تأمین و تضمین شده است. با وجود این، نمی‌توان بعضی از الفاظ قانون اساسی که مجال آسیب به امنیت فردی را فراهم می‌کنند نادیده گرفت که هنوز نه با قانون عادی تبیین شده و نه با تفسیر قانون اساسی از آنها رفع ابهام شده است. همان‌طور که در مقدمه مطرح شد، موضوع این بحث بررسی حق امنیت فردی در قانون اساسی است که بدیهی است این تحقیق کاملاً نظری و متن محور است. حتی در بحث مربوط به آسیب‌شناسی نهادهای منبعث از قانون اساسی نیز بحث کاملاً نظری و تحلیلی است. بدیهی است بررسی اجرای قانون اساسی و تاثیر عملکردها و رویه‌های نهادهای منبعث از آن، در امنیت فردی مجال دیگری را می‌طلبد.

منابع و مآخذ

الف - فارسی

۱. اداره کل امور فرهنگی مجلس شورای اسلامی، (۱۳۶۴)، صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی ج.۱، چاپ اول، جلد اول، تهران: انتشارات مجلس شورای اسلامی.
۲. آشوری محمد و بهمنی قاجار محمدعلی، (۱۳۷۸)، رویه کمیته حقوق بشر در حمایت از آزادی و امنیت شخصی، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، صص ۱۷-۱، دوره ۳۸ شماره ۳.
۳. بهرامی احمدی حمید، (۱۳۷۰)، سو استفاده از حق، تهران: انتشارات روزنامه اطلاعات.
۴. توسلی حسین، (۱۳۸۵)، رابطه حق و عدالت، پژوهش‌های فلسفی - کلامی، سال هشتم، شماره اول، دانشگاه قم، ۹۱-۱۱۱.
۵. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، (۱۳۷۷)، انسان از دیدگاه اسلام، تهران: انتشارات سمت.
۶. عبدالله خانی علی، (۱۳۸۳)، نظریه های امنیت، جلد اول، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی ابرار معاصر.
۷. عمید زنجانی عباسعلی، (۱۳۷۳)، فقه سیاسی، جلد اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۸. -----، (۱۳۸۴)، فقه سیاسی، جلد هفتم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۹. فلچر جورج پی، (۱۳۸۴)، مفاهیم بنیادین حقوق کیفری، مترجم سید مهدی سیدزاده، مشهد: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۱۰. مطهری مرتضی، مجموعه آثار، (۱۴۲۰ ق)، جلد نوزدهم، چاپ اول، تهران: انتشارات صدرا.
۱۱. موحد محمدعلی، (۱۳۸۱)، در هوای حق و عدالت، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۲. ورعی سید جواد، (۱۳۸۶)، مبانی و مستندات قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قم: انتشارات دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری.
۱۳. هاشمی سیدمحمد، (۱۳۸۴)، حقوق بشر و آزادیهای سیاسی، تهران: انتشارات میزان.

ب - خارجی

- 1-Joseph R. Nolan and Jacquelin M. Nolan-Haley, (coauthors); *Black's Law Dictionary*, Sixth Edition, West Publishing Co, USA, 1990.
- 2-Canadian Charter of Rights and Freedoms <http://laws.justice.gc.ca/en/charter/1.html>.
- 3-Freks George. «Human Security as a Discourse and Counterdiscourse». *Security and Human Rights*. 2008 no.1
- 4-International Covenant on Civil and Political Rights <http://www.un.org/en/documents/>

- udhr/index.shtml#a3.
- 5-The European Convention on Human Rights <http://www.hri.org/docs/ECHR50.html> .
- 6-The Universal Declaration of Human Rights <http://www.un.org/en/documents/udhr/Index>.
- 7-Webster Merriam Dictionary, 2003.
- 8.http://en.wikipedia.org/wiki/Section_Seven_of_the_Canadian_Charter_of_Rights_and_Freedom.

Archive of SID